

شیک پوشی با نگاه اسلامی

گزارشی از یک کارگاه تولیدی لباس دخترانه که آوازه اش به آن سوی مرزها رسیده است



گروه جامعه

«جمیله، بیامادر این هارنگاه کن، ببین کدامشان به هم می خورد!» مادر چند متر پارچه رنگارنگ را پهن کرده است روی زمین و مردد نگاهشان می کند. نمی داند کدام یک برای دوخت لباسی دورنگ مناسب تر است. حساب باز کرده است روی سلیقه دختر نوجوانش. چندباری که از نظر جمیله برای انتخاب رنگ و طرح لباس ها استفاده کرده است، نتیجه خوش رنگ و همه پسند از کار درآمده است. آن روزها در خیال جمیله و خانواده اش نمی گنجید که همین آزمون و خطا های ساده، مقدمه تبدیل شدن او به طراح و مدیر مجموعه ای ذیل حوزه علمیه می شود که آوازه تولیدات اسلامی اش برای دختران عقیف پوش از مرزهای کشور عبور می کند.



تمام شدن موجودی

با ابروهای گره شده، آستین های کرم رنگ مانتوی یشمی را برانداز می کند. چین ها، ساسون ها، یقه و دکمه ها را ریزش همین طور. چند ثانیه ای می شود که نگاهش روی جیب گل دوزی شده مانتو ثابت مانده است. به جمع بندی که می رسد، با اخم از جا بلند می شود و مانتو را می گذارد روی میز سرپرست کارگاه. سپس دوباره روی صندلی اش جاگیر می شود. لباس بعدی را برمی دارد و بررسی همان نکات را از سر می گیرد. دوخت این یکی رضایتش را جلب کرده است انگار. بعد از تازدن و نصب برچسب قیمت، می رود سراغ سومی. «وهرآ مسئول کنترل کیفیت لباس هایی است که با نام تجاری «مانده»، بین مردم شناخته شده است. به اهمیت کارش واقف است و بی تعارف، ایرادهای کار همکارانش را می گیرد. او یکی از ۲۵ بانویی است که در این کارگاه مشغول هستند. دقت و هنری که به خرج می دهند، باعث شده است در هفت سالگی تأسیس، این مجموعه به مرحله ای برسد که شمارگان تولیداتش به تأمین تقاضای مشتریان نرسد، مشتریانی که می خواهند لباس های دختران شان در عین زیبایی و کیفیت، فاخر و ساده باشد.

گواه پیشی گرفتن تقاضا بر عرضه، اعلان های پیاپی تمام شدن موجودی است که در کانال فروش مجازی شان در یکی از شبکه های اجتماعی داخلی با ۳۵ هزار عضو بارگذاری می شود. همین طور تماس متصدی واحد فروش حضوری که می خواهد هرچه زودتر سایزهای فروخته شده شارژ شود. برکت مانده فقط برای مشتریان روزه افزایش نیست، به فهرست بیست و پنج نفره مشغول در کارگاه تولیدی، دوازده نفر دیگری را که بیرون از اینجا برای این نشان تجاری کار می کنند هم اضافه کنید، از گل دوزها و قلاب باف ها تا پیک ها، فروشنده ها، ادمین ها و...

توجه عروسی به یادماندنی
با مهمانی بی عروسی که به آن دعوت شده بود، ۲۴ ساعت زمان داشت. باید زودتر برای مائه پیراهن مجلسی می خرید. پیدا کردن لباس برای دختر بچه های یکی دو ساله کاری سخت به نظر نمی رسید. در شهری با این وسعت و این همه فروشگاه، حتما یکی پیدا می شد که لباس مورد پسند این مادر را داشته باشد. نتیجه، یا تصوراتش متفاوت بود؛ هرچه گشتم، لباس پوشیده پیدا نکردم. نه برای دخترم و نه سن های بالاتر. پیراهن ها همگی حلقه آستین بادامن های کوتاه بودند. با خودم گفتم عروسی به کنار، اصلا شاید یکی نخواهد دختر بچه اش را با چنین لباسی بیرون ببرد و پوست لطیفش را در آفتاب بسوزاند. ناراحت شدم، نه برای دختر خودم، برای دختر کوچک من که عناق و حجاب معنا نداشت. به دخترهای هفت هشت ساله ای فکر کردم که با همین طرز لباس پوشیدن خو می گیرند و بعد

انتظار داریم بزرگ تر که شدند، پوشیدگی را رعایت کنند. جمیله سیبویه، مدیر این مجموعه تولید پوشاک اسلامی، چراهایی را که آن روز از خودش پرسید و جواب نگرفت، به خوبی به یاد دارد، اینکه چرا دست کم بخشی از لباس های دخترانه موجود در بازار نمی تواند سلیقه امثال او را تأمین کند. مگر نه اینکه کشوری مسلمان هستیم و لباس هایی با استانداردهای اسلامی، باید دسترسی بهتری داشته باشد؟ پس چرا... آن روز مجبور شد برای دوخت لباسی که مدنظرش بود، خودش دست به کار شود. یک تکه تور سفید در خانه داشت. آن را گذاشتم داخل جای آب زعفران. رنگ قشنگی به دست آمد. تور را روی آستر گل بپی دوختم، برچین و طبقه طبقه، آستین پفی کوتاهش هم خوب شد. در عروسی، کسانی که می دانستند در دوی آشنا داریم، می پرسیدند لباس دخترتان را از خارج خریدید دیگر، نه؟! یک آزمون واقعی

مجازی عروسی و تمجید مهمانان از لباس مانده، همچنان ادامه داشت، آن قدر که تکرار آن در چند سال، خانم سیبویه را به فکر انجام یک آزمون انداخت: هرکس می گفت چرا نمی روی در کار طراحی لباس، می گفتم طراحی تنها که فایده ندارد. اینترنت پر از عکس است، مهم این است که تولید شود. چه کسی باید تولید می کرد؟ من؟! من که این کاره نبودم. سرمایه ای نداشتم. اصلا شاید این ها فقط سلیقه من نوعی بود، کسی که اطلاعاتش در زمینه طراحی دوخت و خیاطی صرفا تجربی بود و بر اساس قریحه درونی، بدون مدرک دانشگاهی یا آموزشگاهی، باید امتحان می کردم که به جز اطرافیان، سلیقه من در بازار طرف دار دارد

به مشغله های خانم سیبویه که تا آن روز مثل بقیه اعضای خانواده اش در دروس حوزوی و فرزندی خلاصه می شد، گزینه جدیدی هم اضافه شده بود. آزمون ابتدایی که او برای سنجش سلیقه بازار ترتیب داده بود، از این قرار بود: ۱۰ پارچه نیم متری رنگارنگ خریدم. چند دست لباس دخترانه دوختم و آگهی فروششان را در دیوار گذاشتم. به یک هفته نرسید، همگی فروخته شدند. مشتری ها دائم پیام می دادند که از این نمونه ها دارید یا نه؟ فهمیدم عده ای این طور لباس ها را می خواهند و در بازار نمی بینند. شروع کردم به کار در خانه با همان چرخ معمولی که داشتم. دوسه ماه بعد، با کمک برادرم که مثل من طلبه است و یک میلیون تومان سرمایه ای که داشتم، یک جای کوچک اجاره کردیم. برش و دوخت با من بود، اتوکاری، سردوز و تبلیغ در فضای مجازی با او. با چند جوان خوش فکر که مشورت کردیم، از رونق فروش مجازی در سال های آینده گفتند. برگ برنده ما، همین شروع زود هنگام فروش در فضای مجازی بود.

بارها نزدیک حقوق دادن به نیروها حساسیم خالی بوده است. به خدا می گویم خودت می دانی دیگر، کارکنان اینجا بنده های تو هستند و من فقط واسطه ام. خدا درست می کند. من بعد از راه اندازی این مجموعه، خدا روزگار بدنتش را عینی تر از همیشه حسن کرده ام.

کارگاه متفاوت خانم سیبویه یک جور موسیقی است برای خودش، بی قاعده اما زیبا. بستگی دارد درز لباس ها کوتاه باشد یا بلند. بلند که باشد، قبض چرخ های خیاطی، ممتد می شود. این قبض قبض های کوتاه و کشیده با چاشنی خنده های خانمانه، فضای مطبوعی به کارگاه بخشیده است. از صفر تا صد تبدیل شدن پارچه ها و نخ های رنگارنگ به لباس های تشکیل برای دختران یک تا پانزده سال. عمده سفارش ها روز قبل گزارش مافراستاده شده است، مانده است بسته هایی که روی هم

نشان داده اند و باید به پست امروز برسند. در میان نیروها همه جور آدم می شود دید، از دختر جوانی که هندزفری در گوش دارد تا بانوان جاافتاده ای که عینک های ته استکانی نزدیک بینشان حاکی از تجربه آن ها در خیاطی است. برخی خانم ها از خانواده طلبا هستند و برخی نه. پوشش همه هم شبیه یکدیگر نیست. این را می شود موقع عکاسی فهمید که خانم ها حجاب می کنند. برخلاف آنچه تصور می شود، گزینش نیروها شرایط ظاهری خاصی ندارد و داشتن پوشش متعارف بدون آرایش زنده کفایت می کند. حین کار، بحث های سیاسی و اختلاف برانگیز، همین طور غیبت کردن ممنوع است. بی نظمی در ورود و خروج هم که خط قرمز است، دفتر قطور حضور و غیاب روی میز ورودی کارگاه، به اهمیت قضیه گواهی می دهد. گاهی صدای صلوات، جایگزین بیهابوی کارگاه می شود، به عنوان مثال بعد از پایان مراسم قرأت حدیث کسا که خودجوش از سوی کارکنان برگزار می شود. با همکاری مدرسه علمیه ولایت که اشراف آن با نصب تابلویی بر سردر کارگاه اعلام شده است، هر از چندی برای کارکنان مرکز، جلسات بصیرتی، اخلاقی و مشاوره های خانوادگی برگزار می شود. قفسه کتاب کارگاه خیاطی هم میزبان کتاب هایی متنوع است. این ها چیزهایی است که فضای فرهنگی کارگاه را برای کارکنان متفاوت می کند.

چالش های تولید این چند سال بر مجموعه ای که با دغدغه فرهنگی به عرصه تولید پوشاک وارد شده، ساده گذشته است؟ معلوم است که نه، به ویژه اگر اصرار داشته باشی زیر بار وام های بانکی با سودهای آن چنانی اش نروی و همه هزینه ها را از سود حداقلی کار و سرمایه نداشته ات جور کنی. خانم سیبویه که علاوه بر نقش همسری و مادری برای چهار فرزندش، به تحصیل و سطح دو حوزه علمیه و تدریس مباحث اعتقادی سیاسی نیز مشغول است. از دشواری های تولید به ویژه در چند سال نخست آن می گوید، مثلا از طلاهایی که فروخت و نتوانست جایگزین کند، از اصرار به رعایت باید های دینی به ویژه در میزبان سود، از حقوق خودش که با

کارگاه متفاوت خانم سیبویه یک جور موسیقی است برای خودش، بی قاعده اما زیبا. بستگی دارد درز لباس ها کوتاه باشد یا بلند. بلند که باشد، قبض چرخ های خیاطی، ممتد می شود. این قبض قبض های کوتاه و کشیده با چاشنی خنده های خانمانه، فضای مطبوعی به کارگاه بخشیده است. از صفر تا صد تبدیل شدن پارچه ها و نخ های رنگارنگ به لباس های تشکیل برای دختران یک تا پانزده سال. عمده سفارش ها روز قبل گزارش مافراستاده شده است، مانده است بسته هایی که روی هم نشان داده اند و باید به پست امروز برسند. در میان نیروها همه جور آدم می شود دید، از دختر جوانی که هندزفری در گوش دارد تا بانوان جاافتاده ای که عینک های ته استکانی نزدیک بینشان حاکی از تجربه آن ها در خیاطی است. برخی خانم ها از خانواده طلبا هستند و برخی نه. پوشش همه هم شبیه یکدیگر نیست. این را می شود موقع عکاسی فهمید که خانم ها حجاب می کنند. برخلاف آنچه تصور می شود، گزینش نیروها شرایط ظاهری خاصی ندارد و داشتن پوشش متعارف بدون آرایش زنده کفایت می کند. حین کار، بحث های سیاسی و اختلاف برانگیز، همین طور غیبت کردن ممنوع است. بی نظمی در ورود و خروج هم که خط قرمز است، دفتر قطور حضور و غیاب روی میز ورودی کارگاه، به اهمیت قضیه گواهی می دهد. گاهی صدای صلوات، جایگزین بیهابوی کارگاه می شود، به عنوان مثال بعد از پایان مراسم قرأت حدیث کسا که خودجوش از سوی کارکنان برگزار می شود. با همکاری مدرسه علمیه ولایت که اشراف آن با نصب تابلویی بر سردر کارگاه اعلام شده است، هر از چندی برای کارکنان مرکز، جلسات بصیرتی، اخلاقی و مشاوره های خانوادگی برگزار می شود. قفسه کتاب کارگاه خیاطی هم میزبان کتاب هایی متنوع است. این ها چیزهایی است که فضای فرهنگی کارگاه را برای کارکنان متفاوت می کند.

چالش های تولید این چند سال بر مجموعه ای که با دغدغه فرهنگی به عرصه تولید پوشاک وارد شده، ساده گذشته است؟ معلوم است که نه، به ویژه اگر اصرار داشته باشی زیر بار وام های بانکی با سودهای آن چنانی اش نروی و همه هزینه ها را از سود حداقلی کار و سرمایه نداشته ات جور کنی. خانم سیبویه که علاوه بر نقش همسری و مادری برای چهار فرزندش، به تحصیل و سطح دو حوزه علمیه و تدریس مباحث اعتقادی سیاسی نیز مشغول است. از دشواری های تولید به ویژه در چند سال نخست آن می گوید، مثلا از طلاهایی که فروخت و نتوانست جایگزین کند، از اصرار به رعایت باید های دینی به ویژه در میزبان سود، از حقوق خودش که با

چالش های تولید این چند سال بر مجموعه ای که با دغدغه فرهنگی به عرصه تولید پوشاک وارد شده، ساده گذشته است؟ معلوم است که نه، به ویژه اگر اصرار داشته باشی زیر بار وام های بانکی با سودهای آن چنانی اش نروی و همه هزینه ها را از سود حداقلی کار و سرمایه نداشته ات جور کنی. خانم سیبویه که علاوه بر نقش همسری و مادری برای چهار فرزندش، به تحصیل و سطح دو حوزه علمیه و تدریس مباحث اعتقادی سیاسی نیز مشغول است. از دشواری های تولید به ویژه در چند سال نخست آن می گوید، مثلا از طلاهایی که فروخت و نتوانست جایگزین کند، از اصرار به رعایت باید های دینی به ویژه در میزبان سود، از حقوق خودش که با

چالش های تولید این چند سال بر مجموعه ای که با دغدغه فرهنگی به عرصه تولید پوشاک وارد شده، ساده گذشته است؟ معلوم است که نه، به ویژه اگر اصرار داشته باشی زیر بار وام های بانکی با سودهای آن چنانی اش نروی و همه هزینه ها را از سود حداقلی کار و سرمایه نداشته ات جور کنی. خانم سیبویه که علاوه بر نقش همسری و مادری برای چهار فرزندش، به تحصیل و سطح دو حوزه علمیه و تدریس مباحث اعتقادی سیاسی نیز مشغول است. از دشواری های تولید به ویژه در چند سال نخست آن می گوید، مثلا از طلاهایی که فروخت و نتوانست جایگزین کند، از اصرار به رعایت باید های دینی به ویژه در میزبان سود، از حقوق خودش که با



حمایت نمایشی اثر ندارد



محمد مهدی اسماعیلی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

حمایت از حوزه مد و لباس باید از حالت نمایشی و گلخانه ای خارج شود تا بیشترین اثرگذاری را داشته باشد.

تسهیلات برای توزیع کنندگان محصولات اسلامی



سید محمد امامی

دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور

به شرکت کنندگان در نمایشگاه ها و مسکوهای توزیع محصولات ایرانی اسلامی که کیفیت و قیمت را به نفع مصرف کننده تأمین کنند، تسهیلات پرداخت می شود.

خانم سیبویه از اسفندهایی تعریف می کند که مصمم به واگذاری کارگاه خود فقط یک چیز او را از این تصمیم منصرف کرد: هربار که رهبر معظم انقلاب در صحبت های نوروزی شان به اهمیت مباحث اقتصادی اشاره کردند، خجالت کشیدم از عملی کردن تصمیمم. به خودم گفتم جنگ است دیگر، باید تحمل کنی. می دیدم که خدا یک دفعه در او سخنی، گشایش حاصل می کند. مثلا یک فروش کلی می کنیم و هزینه های کارگاه همه جور می شود یا مشتری ای که قبلا خرید کرده بود، بدهی اش راستسویه می کند. مطمئن شده ام که هیچ کاره ام همه کاره خداست. خیلی اتفاق افتاده است که نزدیک حقوق دادن به نیروها حسابم خالی باشد. به خدماتی گویم خودت می دانی دیگر. کارکنان اینجا بنده های تو هستند و من فقط واسطه ام. پس خودت درست کن. درست می کند. من بعد از راه اندازی این مجموعه، خدا ورزاق بودنش را عینی تر از همیشه حس کرده ام. شمارگان تولید با این نشان تجاری نسبت به پارسل دوبرابر شده است. نیاز بازار داخلی، بیش از این حرف هاست. دلیل نگفتن این مجموعه به سفارش های کشورهای مسلمان منطقه، در اولویت بودن تأمین نیاز داخل است. آن طور که از طرح های توسعه این مجموعه می شنویم، باید منظور افزایش گام به گام تولید و گسترش محصولات به حوزه پوشاک پسران باشیم، لباس هایی که مانند نمونه های موجود در بازار جلو جست و خیز طبیعی پسر بچه ها را انگیزد و ساده و خوش جنس و عاری از طرح ها و حروف بیگانه باشد و...

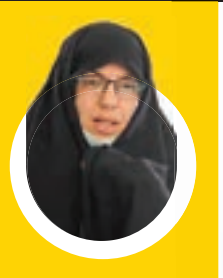
خانم سیبویه از اسفندهایی تعریف می کند که مصمم به واگذاری کارگاه خود فقط یک چیز او را از این تصمیم منصرف کرد: هربار که رهبر معظم انقلاب در صحبت های نوروزی شان به اهمیت مباحث اقتصادی اشاره کردند، خجالت کشیدم از عملی کردن تصمیمم. به خودم گفتم جنگ است دیگر، باید تحمل کنی. می دیدم که خدا یک دفعه در او سخنی، گشایش حاصل می کند. مثلا یک فروش کلی می کنیم و هزینه های کارگاه همه جور می شود یا مشتری ای که قبلا خرید کرده بود، بدهی اش راستسویه می کند. مطمئن شده ام که هیچ کاره ام همه کاره خداست. خیلی اتفاق افتاده است که نزدیک حقوق دادن به نیروها حسابم خالی باشد. به خدماتی گویم خودت می دانی دیگر. کارکنان اینجا بنده های تو هستند و من فقط واسطه ام. پس خودت درست کن. درست می کند. من بعد از راه اندازی این مجموعه، خدا ورزاق بودنش را عینی تر از همیشه حس کرده ام. شمارگان تولید با این نشان تجاری نسبت به پارسل دوبرابر شده است. نیاز بازار داخلی، بیش از این حرف هاست. دلیل نگفتن این مجموعه به سفارش های کشورهای مسلمان منطقه، در اولویت بودن تأمین نیاز داخل است. آن طور که از طرح های توسعه این مجموعه می شنویم، باید منظور افزایش گام به گام تولید و گسترش محصولات به حوزه پوشاک پسران باشیم، لباس هایی که مانند نمونه های موجود در بازار جلو جست و خیز طبیعی پسر بچه ها را انگیزد و ساده و خوش جنس و عاری از طرح ها و حروف بیگانه باشد و...

خانم سیبویه از اسفندهایی تعریف می کند که مصمم به واگذاری کارگاه خود فقط یک چیز او را از این تصمیم منصرف کرد: هربار که رهبر معظم انقلاب در صحبت های نوروزی شان به اهمیت مباحث اقتصادی اشاره کردند، خجالت کشیدم از عملی کردن تصمیمم. به خودم گفتم جنگ است دیگر، باید تحمل کنی. می دیدم که خدا یک دفعه در او سخنی، گشایش حاصل می کند. مثلا یک فروش کلی می کنیم و هزینه های کارگاه همه جور می شود یا مشتری ای که قبلا خرید کرده بود، بدهی اش راستسویه می کند. مطمئن شده ام که هیچ کاره ام همه کاره خداست. خیلی اتفاق افتاده است که نزدیک حقوق دادن به نیروها حسابم خالی باشد. به خدماتی گویم خودت می دانی دیگر. کارکنان اینجا بنده های تو هستند و من فقط واسطه ام. پس خودت درست کن. درست می کند. من بعد از راه اندازی این مجموعه، خدا ورزاق بودنش را عینی تر از همیشه حس کرده ام. شمارگان تولید با این نشان تجاری نسبت به پارسل دوبرابر شده است. نیاز بازار داخلی، بیش از این حرف هاست. دلیل نگفتن این مجموعه به سفارش های کشورهای مسلمان منطقه، در اولویت بودن تأمین نیاز داخل است. آن طور که از طرح های توسعه این مجموعه می شنویم، باید منظور افزایش گام به گام تولید و گسترش محصولات به حوزه پوشاک پسران باشیم، لباس هایی که مانند نمونه های موجود در بازار جلو جست و خیز طبیعی پسر بچه ها را انگیزد و ساده و خوش جنس و عاری از طرح ها و حروف بیگانه باشد و...

خانم سیبویه از اسفندهایی تعریف می کند که مصمم به واگذاری کارگاه خود فقط یک چیز او را از این تصمیم منصرف کرد: هربار که رهبر معظم انقلاب در صحبت های نوروزی شان به اهمیت مباحث اقتصادی اشاره کردند، خجالت کشیدم از عملی کردن تصمیمم. به خودم گفتم جنگ است دیگر، باید تحمل کنی. می دیدم که خدا یک دفعه در او سخنی، گشایش حاصل می کند. مثلا یک فروش کلی می کنیم و هزینه های کارگاه همه جور می شود یا مشتری ای که قبلا خرید کرده بود، بدهی اش راستسویه می کند. مطمئن شده ام که هیچ کاره ام همه کاره خداست. خیلی اتفاق افتاده است که نزدیک حقوق دادن به نیروها حسابم خالی باشد. به خدماتی گویم خودت می دانی دیگر. کارکنان اینجا بنده های تو هستند و من فقط واسطه ام. پس خودت درست کن. درست می کند. من بعد از راه اندازی این مجموعه، خدا ورزاق بودنش را عینی تر از همیشه حس کرده ام. شمارگان تولید با این نشان تجاری نسبت به پارسل دوبرابر شده است. نیاز بازار داخلی، بیش از این حرف هاست. دلیل نگفتن این مجموعه به سفارش های کشورهای مسلمان منطقه، در اولویت بودن تأمین نیاز داخل است. آن طور که از طرح های توسعه این مجموعه می شنویم، باید منظور افزایش گام به گام تولید و گسترش محصولات به حوزه پوشاک پسران باشیم، لباس هایی که مانند نمونه های موجود در بازار جلو جست و خیز طبیعی پسر بچه ها را انگیزد و ساده و خوش جنس و عاری از طرح ها و حروف بیگانه باشد و...

خانم سیبویه از اسفندهایی تعریف می کند که مصمم به واگذاری کارگاه خود فقط یک چیز او را از این تصمیم منصرف کرد: هربار که رهبر معظم انقلاب در صحبت های نوروزی شان به اهمیت مباحث اقتصادی اشاره کردند، خجالت کشیدم از عملی کردن تصمیمم. به خودم گفتم جنگ است دیگر، باید تحمل کنی. می دیدم که خدا یک دفعه در او سخنی، گشایش حاصل می کند. مثلا یک فروش کلی می کنیم و هزینه های کارگاه همه جور می شود یا مشتری ای که قبلا خرید کرده بود، بدهی اش راستسویه می کند. مطمئن شده ام که هیچ کاره ام همه کاره خداست. خیلی اتفاق افتاده است که نزدیک حقوق دادن به نیروها حسابم خالی باشد. به خدماتی گویم خودت می دانی دیگر. کارکنان اینجا بنده های تو هستند و من فقط واسطه ام. پس خودت درست کن. درست می کند. من بعد از راه اندازی این مجموعه، خدا ورزاق بودنش را عینی تر از همیشه حس کرده ام. شمارگان تولید با این نشان تجاری نسبت به پارسل دوبرابر شده است. نیاز بازار داخلی، بیش از این حرف هاست. دلیل نگفتن این مجموعه به سفارش های کشورهای مسلمان منطقه، در اولویت بودن تأمین نیاز داخل است. آن طور که از طرح های توسعه این مجموعه می شنویم، باید منظور افزایش گام به گام تولید و گسترش محصولات به حوزه پوشاک پسران باشیم، لباس هایی که مانند نمونه های موجود در بازار جلو جست و خیز طبیعی پسر بچه ها را انگیزد و ساده و خوش جنس و عاری از طرح ها و حروف بیگانه باشد و...

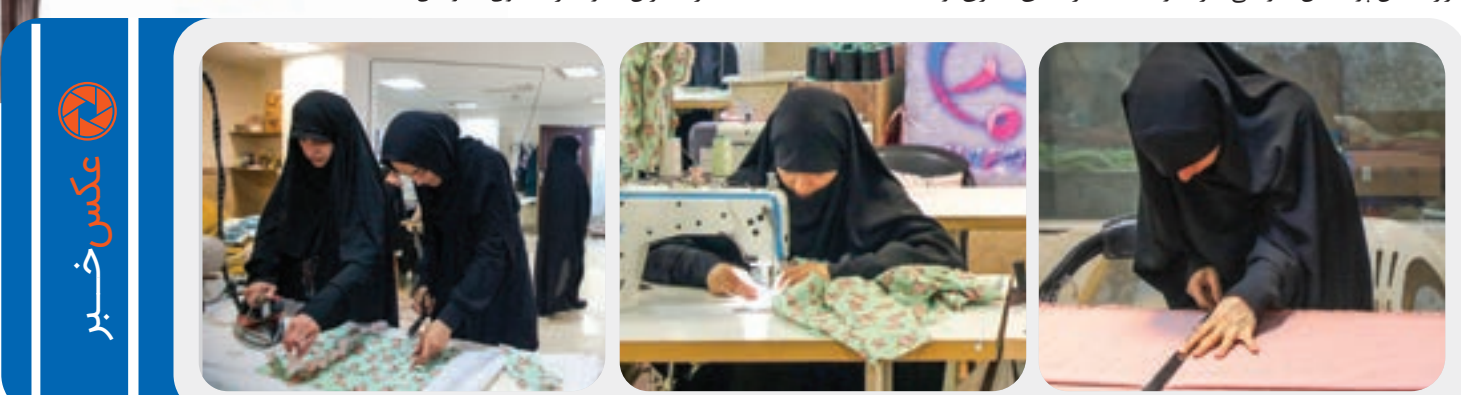
قوانین روی زمین مانده



مهدیه خادم

فعال حوزه حجاب

از جمله قوانینی که روی زمین مانده است و مسئولان در آن اهمال می کنند، طراحی، توزیع و تولید و فروش پوشاک است که عفت عمومی را جریحه دار می کند. از وزارت ارشاد اسلامی و کارگروه مد و لباس می پرسیم که اکنون جایگاه تولید لباس ملی ایرانی کجاست؟



عکس خبر



دانش هسته ای این بار در غربالگری نوزادان



باشنیدن خبر های خوب هسته ای، معنای واقعی «انرژی هسته ای» حق مسلم ماست و رادیک می کنیم و می بالیم به اینکه ایران در مرز کشورهای مجهز به انرژی هسته ای جای گرفته است و با توان زیادی که در این زمینه دارد، می تواند اقدامات ارزشمندی انجام دهد.

احتمالا همه شما می دانید که تست غربالگری نوزادان در چند روز اول تولدشان تا حد جد حیاتی است و با تشخیص چندین نوع بیماری، می تواند کمک شایانی به سلامت نوزادان از همان بدو تولد بکند. پس خیلی خوش حال کننده است اگر بدانید که ایران به لطف فناوری هسته ای و آب سنگین توانسته کیت های تشخیص بیماری های متابولیک را که ناشی از اختلالات ژنتیکی حاد است، تهیه و پنجاه نوع از بیماری های متابولیک را با همین کیت ها شناسایی کند. این یعنی پیشگیری از آسیب جدی به کودکان و آرامش هر چه بیشتر پدر و مادرهایی که صاحب فرزند شده اند.



تقوای کاری و ترمین امیدواری



دکتر مهدی اسماعیلی

شاید بتوان گفت آن هایی که در همه فراز و فرودها و در گرم گرم سختی ها و مشکلات پیش روی آدمی همچنان خودشان را در پناه پروردگار حکیم می دانند و در همه اوقات و اوضاع زندگی شامل نعمت ها و نعمت ها، به مرحمت، مغفرت، حمایت، هدایت و کمک خداوند مهربان «امید» دارند، به سلاح مهمی از معرفت دست یافته و به معنای واقعی کلمه نسبت به ذات اقدس الهی به «ایمان» و باور رسیده اند. هر چقدر هم که گنگه کار باشیم، در موقعیت سختی به سر ببریم و اوضاع و احوال ناآسان ما و پریشانی پیش روی ما باشد، باز هم اگر در دلمان به رحمت و حمایت خالق بی همتا قلبمان نلرزد و به اصطلاح قرص باشد، این نشانی مطلوب و مناسب از تعبد آدمی است. چندی قبل رهبر معظم انقلاب بیان کردند: «با ایمان و امید می توان تحول عظیم ایجاد کرد»، این جمله توجه به دو کلیدواژه مهم «ایمان و امید» را به روح حیات و حرکت اجتماعی تزریق کرد که می تواند بنیان همه فعالیت های عمومی در جامعه را شکل دهد. اتحاد مردم باید به سطحی از شناخت برسند که به خدا و حمایت او در همه حال ایمان داشته باشند و شرایط برایشان به گونه ای ترسیم شود که پیشرفت و تعالی در سایه توکل و تلاش حداکثری را باور کنند. یکی از لازمه های تحقق این امر، توسعه عدالت اجتماعی است. به گونه ای که همه مردم برای بروز و ظهور ظرفیت ها و استعدادهایشان از فرصت و امکانات کافی و مناسب بهره مند شوند.

تقوای کاری و ترمین امیدواری

در بررسی و واکاوی مناسبات بین امید و ایمان می توان چنین گفت که ایمان، ریشه و مبنای شکل گرفتن امید است. در واقع ایمان یک امر درونی و قلبی است و به رابطه انسان با خداوند متعال مربوط می شود. هرچه این ارتباط ژرفای بیشتری یابد، ایمان بیشتر تقویت می شود و به دنبال آن، امید هم قوت و قوام بیشتری خواهد یافت. بدون شک «تقوای کاری و ترمین امیدواری» در جامعه می تواند فضای پیشرانی برای حرکت عمومی به سمت پیشرفت ایجاد کند و فضای خودگی و افسردگی را به حداقل برساند. موضوع مهمی که در اوضاع کنونی به ویژه در زیر بار هجمه سنگین و ناجوانمردانه دشمن به بنیان های اخلاقی و مبنای فکری و عقیدتی ما، وظیفه حیاتی و رسالت سنگین اتحاد مردم به ویژه مسئولان، گروه های مرجع، اصحاب رسانه و صاحبان تصمیم است.

از «امیدزایی» تا «امیدافزایی»

امروز جامعه در حوزه اقتصاد و معیشت مردم با سختی های فراوانی دست و پنجه نرم می کند. مشکلات مالی و تورم وحشتناک اکنون گریبان مردم را چسبیده است و رها نمی کند. بعد از گذران بحران های بسیار سختی مانند تحریم های ناجوانمردانه و نامحدود و داغ های فراوانی که بر دل ملت نشاناند و همچنین، تلخی هایی که به اثر اغتشاشات، هیجانان اجتماعی و ناآرامی های اخیر بر مردم وارد شده است، عمق مشکلات و فشار ناشی از آن را بیشتر لمس خواهیم کرد. اما نباید فراموش کرد سخن گفتن در مسیر ایجاد حس ناامیدی و شمشیر انتقاد بدبینانه و غیرمنصفانه به دست گرفتن و گردن «امیدواری» را زدن، چیزی به جز القای حس ناتوانی و ناکامی برای مردم به دنبال نخواهد داشت. دنیایی فرق است بین نقد و مسئولان در آن اهمال می کنند، طراحی، توزیع و تولید و فروش پوشاک است که عفت عمومی را جریحه دار می کند. از وزارت ارشاد اسلامی و کارگروه مد و لباس می پرسیم که اکنون جایگاه تولید لباس ملی ایرانی کجاست؟



شنبه
۲۸ خرداد ۱۴۰۲
شماره ۳۶۶

۱۳



شهریار